

سیاست خارجی و شیخ روحانی در ۵۰ روز به اندازہ ۵۰۰ روز در سیاست خارجی پیشرفت داشته ایم!

امیر فیض- حقوقدان

اظهارات روحانی و لاریجانی و جواد ظریف در رابطه با مسئلہ فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی سبب تنظیم این تحریر است.

نخست اظهارات لاریجانی

اظهارات لاریجانی دائر براینکہ <توقف غنی سازی ۲۰ درصدی قابل بحث است> از این نظر مهم و در درجہ نخست این تحریر قرار گرفته است کہ از ایشان یک سند بسیار قابل اهمیت دربارہ روابط سیاسی خاصہ مقاومت ایران در مقابل خارجیان وجود دارد کہ مشوق تنظیم این تحریر است.

در ۱۶ تیرماه سال ۱۳۷۲ آقای لاریجانی کہ آنوقت معاون کمیسیون وزارت خارجه جمهوری اسلامی و نمایندہ مجلس اسلامی (بخوانید طویلہ اسلامی) بود طی اظهاراتی در زمینہ برقراری روابط سیاسی با آمریکا و سایر کشورها گفت:

<اینکہ ما با آمریکا ارتباط نداریم، ژشت فقط ارتباط نداشتن نیست. توی دہان آمریکا میزنیم و تنہا کشوری هستیم کہ جرانت میکنیم در مقابل آنان بایستیم، امروز ما می بینیم آنچه بیش از ہمہ خسارات دارد سلطہ آمریکا بر جہان اسلام است، پس ما وظیفہ داریم جہان اسلام را بر علیہ آمریکا بشورانیم. اینکہ ما باواشتگتن ارتباط نداریم اینطور نیست کہ از آنها میترسیم، من معتقدم آمریکا ہرکاری کہ میتواندستہ علیہ ما کردہ است و بعد ہا ہم کوتاہی نخواہد کرد.>

آمریکا حاضر است میلیاردہا دلار بھای یک لبخند ما را نیز بدهد حتی کمک اقتصادی کند. این افتخار است برای نظام ما کہ برای مصلحت اسلام دست رد بہ سینہ آنها میزند<

اظهارات لاریجانی در سال ۷۲ با تمیکن او بہ توقف غنی سازی در این سال نشان از این است کہ جمهوری اسلامی حاضر است شرافت ملی و حتی حق را کہ کشورہای اروپائی در مورد غنی سازی اورانیوم برای ایران بموجب توافق مورخ نوامبر ۲۰۰۴ پاریس شناخته است نادیدہ وزیر پا بگذارد در مقابل آمریکا

یک روی خوش و موافقی بہ جمهوری اسلامی نشان بدهد، این را میگویند <**نرمنش قهرمانانہ!**>

وقاحت بی انتہای آخوندی، کہ بیست سال تظاہر بہ مخالفت با آمریکا میکند ولی ہموارہ در انتظار تحولی برای تمیکن بہ آمریکاست.

نرمش قهرمانانه یا اسم رمز سازش

نرمش قهرمانانه که خامنه ای آنرا از ادبیات بدیع خودش میداند؛ عنوان کتاب «صلح امام حسن با معاویه» است که خامنه ای در سالها قبل آنرا به فارسی ترجمه کرده. مختصر و فشرده آن کتاب این است که امام حسن در مقابل امتیازاتی که معاویه به او داد از جمله یک کاغذ سفید به مهر معاویه که هر چه او (حسن) میخواهد در آن بنویسد، حسن هم راه سازش با معاویه را انتخاب کرد.

با توجه به کتاب مزبور و استفاده از عنوان «نرمش قهرمانانه» میتوان این برداشت را یافت که عنوان «نرمش قهرمانانه» یک اسم رمزی است که بیان کننده رفتار معاویه با امام حسن است و در عبارت دیگر، غرض خامنه ای از «نرمش قهرمانانه» استفاده آمریکا از همان روش معاویه برای سازش با خامنه ای است، یعنی آمریکا به بقای جمهوری اسلامی تضمین بدهد و همانطور که در صلح بین معاویه و حسن، امنیت طرفداران حسن بوسیله معاویه تامین شد امنیت افراد حکومت اسلامی هم از سوی آمریکا تامین گردد.

یکی از مورخین اسلامی (جعفری) نوشته است: «چون علی تمام بیت المال را بین مسلمین قسمت میکرد پولی نبود که حسن با معاویه جنگ کند لذا راه سازش را برگزید». جریان مزبور میتواند قابل تطبیق باشد با تحریم های آمریکا که جمهوری اسلامی را در موقعیت مشابه با بی پولی حسن قرار داده است.

استقبال عجب و غیر قابل باور

یک جوبسیار قوی دروجاهت دادن به تسلیم خامنه ای نسبت به انرژی اتمی بوجود آمده که در همه مسیرها مشوق تسلیم جمهوری اسلامی و توقف غنی سازی اورانیوم است، اشاره به کل ابعاد این تلاشها در حد این تحریر نیست، فقط این اشاره کافی است که تلویزیون «من و تو» با ساختن داستانی بسیار، بسیار جعلی و مسخره و کودکانه یک برنامه سنگینی را در لزوم توقف فعالیت های هسته ای ایران فراهم ساخت و مدعی شد که مخالفت های آمریکا با فعالیت های هسته ای برای بالابردن قیمت نفت و در نهایت جانسختن انرژی های دیگر بجای نفت است تا نیازی به نفت خاورمیانه و ایران نباشد پس مصلحت و منافع ایران در این است که فعالیت های اتمی اش را متوقف کند تا آمریکا موفق نشود (صحنه سازی رابخوان و بخند).

اما هواداران خامنه ای تفاسیر عجیب و غریبی بر «نرمش قهرمانانه» پیاده کرده اند؛ آنهم با یک شتاب و هماهنگی غیر قابل تصور که بطور حتم باین برنامه ریزی حکومتی همراه است.

اول به بینیم که خود خامنه ای چه تفسیری بر «نرمش قهرمانانه» ارائه داده است.

او دیپلماسی سیاسی رابه کشتی گیری تعبیر نموده و میگوید کشتی گیران هم گاهی لازم میدانند که نرمشی در فن های خود بکار ببرند.

این چنین تعبیری ممکن است برای مقلدین خامنه ای و عوام نابخرد ایجاد یک باور ضعیف کند ولی در مسائل سیاسی و اختلاف باکشورها چنین تشبیهی بکل بی مورد است و جای اعتباری ندارد و تشبیه کشتی

گیری با مکاشفات سیاسی بین کشورها که براساس موازین حقوق بین المللی قائم است از آن حرفهای کودکانه است که از هیچکس جزسید علی خامنه ای شنیده نشده است.

واما بعد

تقوی سخنگوی امنیت ملی نوشته است: <«نرمش قهرمانانه» نباید به معنای عجز و یا عقب نشینی تفسیر شود و یا به آن عنوان کاسه گدائی نزد خارجی داد، زیرا ما کماکان بر سر موضع خود ایستاده ایم>

این نشان میدهد که خودحضرات میدانند که مفهوم واقعی «نرمش قهرمانانه» چیزی جز تسلیم و وادادن و عقب نشینی نیست که باتفاق برای وصله و پینه کردن آن جمع شده اند.

رفیق دوست در دفاع از «نرمش قهرمانانه» نوشته است: <«نرمش قهرمانانه» یعنی تمکین دشمن در مقابل ما> (آی زکی)!

محمد رضا نقدی فرمانده بسیج در مصلاهی تهران گفت: <«نرمش قهرمانانه» یعنی مذاکره با آمریکا برای محو اسرائیل> (باز هم آی زکی)!

و بسیار جالب اینکه همین آقای نقدی قبل از ماجرای «نرمش قهرمانانه» گفته بود: <آنها که از صلح امام حسن صحبت میکنند این کار را از روی نادانی و جهالت میکنند و اگر تکرار کنند تودهنی خواهند خورد مردم ایران مردم کوفه نیستند>

«نرمش قهرمانانه» که از ادبیات بدیع خامنه ای است به معنای تسلیم شدن به خواست خارجیان در مورد فعالیت های اتمی است به صورت و کیفیتی که معاویه بابوبکر رفتار کرد.

هرچه فکر کردم نتوانستم درک کنم که تسلیم در مقابل خواست بیگانگان آنهم از سوی یک حکومت اسلامی که مانیفست و منطق آن برتری مسلمانان بر کفار است چیست و چگونه است ولی کتاب امام حسن و توجه خاص خامنه ای به آن کتاب و استفاده از عنوان «نرمش قهرمانانه» موجب هدایت بنده شد.

تسلیم قهرمانانه در فرهنگ عامه

در امور عادی تسلیم قهرمانانه معنای روشنی دارد و آن این است که طرف تسلیم در عین اینکه صحبت از ناموس خود میکند و رگ های گردنش را هم فرا میدهد، شلوارش را پائین میکشد و نام آنرا هم میگذارد، تسلیم متهوانه و قهرمانانه و شرافتمندانه. تصور نمیکنم ادعای «نرمش قهرمانانه» خامنه ای با تسلیم قهرمانانه ای که عرض شد تفاوت چندانی داشته باشد ال اینکه در «نرمش قهرمانانه»، طرف متجاوز، عمل تجاوز به ناموس را باملایمت و نرمش انجام میدهد و در تجاوز معمولی بدون نرمش و ملایمت و باسختی و زحمت.

زدن توی دهان آمریکا کجا و انصراف از میلیاردها دلار برای یک لبخند به آمریکا کجا؟ و «نرمش قهرمانانه!» امروز در مقابل آمریکا کجا؟

بهترین موقع برای سرکوب دشمن همین زمان است که دشمن در مسیر سقوط بی آبرویی بدست خودش افتاده است بر ماست که مسیر سقوط جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر فراهم کنیم که برای هیچ ملتی در جهان قابل قبول نیست که سی سال زیر شعار «مرگ بر آمریکا» و زدن توی دهان آمریکا زجر و محرومیت داخلی و خارجی تحمل کند و دست آخر هم حکومت و کشورش بنام «نرمش قهرمانانه» تسلیم بیگانه شود.

۵۰۰ روز بجای ۵۰ روز

شیخ حسن روحانی بعد از بازگشت از نیویورک اظهار داشت که «قدم هائی نه به اندازه ۵۰ روز بلکه ۵۰۰ روز در سیاست خارجی برداشته ایم»

بر اساس ادعای روحانی ایشان ظرف ۴ سال ریاست جمهوری غاصبانه بر کشور ۴۰ سال سیاست خارجی جمهوری اسلامی رابه جلو خواهد برد و چون چنین شخصی مسلما رئیس جمهور ۸ ساله خواهد بود لذا سیاست جمهوری اسلامی را ۸۰ سال جلو خواهد برد.

سیاست خارجی کشور به معنای دنبال کردن اهداف کشور در روابط بین المللی است، که امروز با وجود سازمان ملل متحد میتوان گفت، دنبال کردن اهداف کشورها در چارچوب مقررات سازمان ملل است و از آنجا که مقررات سازمان ملل مدون و محصور است و از آنجا که کلیه کشورهای عضو سازمان از جمله جمهوری اسلامی باهم برابر و وابسته به ارکان منشور سازمان هستند لذا روابط و سطح سیاست خارجی کشورها هم در حالت تعادل قرار دارد (مستند منشور سازمان ملل متحد).

بنا بر این میتوان نگران بود با چنین سرعتی!! که آشیخ حسن روحانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی حرکت کرده سازمان ملل و همه کشورهای جهان سالهای، سال از همطرازی با جمهوری اسلامی عقب بمانند و این مهم اساسا نظام حقوقی جهانی را درهم بریزد و بیش از مسئله اتمی ایران آنچه که موجب نگرانی است پیشرفت سریع و بی سابقه شیخ حسن در سیاست خارجی است که فقط در ۴ سال اول ۴۰ سال همه کشورهای جهان عقب تر از جمهوری اسلامی خواهند ماند و این فاجعه برای بشریت بمراتب بیشتر از داشتن سلاح اتمی برای ایران است.

قادر بارکش سیاست خارجی در دولت شیخ حسن

بارکش بار سیاست خارجی دولت شیخ حسن، جواد ظریف است؛ همانطور که نام او گواهی میدهد خیلی ظریف و شکننده است بطوری که یک خبر نه چندان سنگین از سوی کیهان تهران ایشان را مبتلا به قولنج کمر و پادرد و تب و بستری شدن ساخت تا حدی که به سبک مصدق چند ملاقات خارجی را در اطاق خواب خودش انجام داد و اظهار خوشوختی هم کرد که در آزمایش «ام آر آی» خطر جدی متوجه ایشان نبوده است.

بنده در حیرتم که چگونه شیخ حسن با چنین بارکش زپر تی و قولنج کمری و بی تحمل، بار سنگین

سیاست خارجی جمهوری اسلامی را ۴۰ سال جلو تر از سایر کشورها خواهد برد.

فکر میکنم بهتراست آقای ظریف یک دستگاه «ام آر آی» بکسل اتومبیلشان بکنند چون باچنین سابقه ای که از خودشان نشان دادند دائم به آن دستگاه نیاز دارند. آقای ظریف و شیخ حسن باید منتظر باشند که همین طرفداران امروزشان پدري از آنان در بیاورند و چنان چیزهائی به آنها فرو کنند (اتهامات) که قولنج امروز ایشان به هیچ حساب آید، بجاست که آنها به روزهای اول و آخر منوچهرمتکی واحمدی نژاد رجوع کنند و آماده باشند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی چیست

عرض شد که سیاست خارجی کشورها تحقق بخشیدن به اهداف کشورها در چارچوب حقوق بین الملل و سازمان ملل متحد است.

جمهوری اسلامی نیز در به اصطلاح قانون اساسی خود به تعریف بالا متوسل شده است و نوشته:

«اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی اجتماعی و فرهنگی و..... باید راهگشای پایه های حکومت اسلامی باشد»

سیاست خارجی کشورها که زیربنای اهداف کشورهاست همان است که در قانون اساسی کشورها پیاده شده است.

از باب مثال سیاست خارجی آمریکا از اصول و دکترینی است که دو قرن قبل برای اولین بار در قانون اساسی آن کشور پیاده شد که البته بعدها تغییراتی بموجب متمم ها پیدا کرد.

اکنون به بینیم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی آن جمهوری چیست.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در فصل دهم قانون اساسی !! پیاده شده که مقرر داشته

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق حقه همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است. (اصل ۱۵۲)

هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است. (اصل ۱۵۳)

بموجب اصل ۱۵۲ شیخ حسن و دولت های جمهوری اسلامی نمیتوانند روابط صلح آمیز با کشورهای محارب که به معنای کشورهای کفر است داشته باشند و همچنین نمیتوانند هیچ تعهدی در برابر آمریکا که قدرت سلطه گر از سوی جمهوری اسلامی معرفی شده بنمایند و همچنین نمیتوانند با تنظیم قراردادی ایران را از حق فعالیت اتمی و حتی داشتن سلاح اتمی محروم سازند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی! میگوید:

چہاتوجہ بہ محتوای اسلامی انقلاب ایران کہ حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینہ تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراہم میکند بویژہ درگسترش روابط بین المللی بادیگر جنبش های اسلامی و میکوشد تاراه تشکیل امت واحد جهانی را ہموار کند

بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی برپایہ تشکیل امت واحد اسلامی درجہان از طریق صدور انقلاب اسلامی درکشورهای جهان است.

درست و مطابق النعل با النعل با مانیفست کمونیست ها

آیا جهان و ملت های آگاہ این سیاست های مزورانه خامنه ای و دولت شیخ حسن و تضاد آشکار آنرا با قانون اساسی جمهوری اسلامی درک میکنند؟